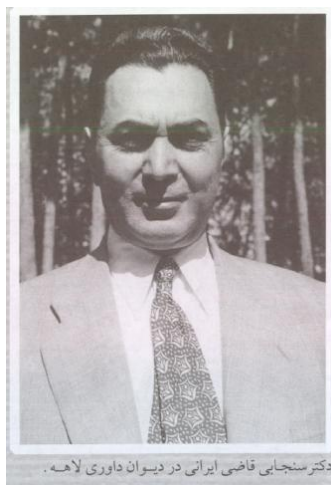


## دکتر کریم سنجابی

کریم سنجابی فرزند قاسم خان (سردار ناصر) و نوه شیرخان (صمصام الممالک) رئیس ایل سنجابی در ۱۲۸۳ در ماهیدشت کرمانشاه متولد شد. ایل سنجابی از ایلات معروف و قدرتمند غرب ایران است. کریم پس از آموزش‌های اولیه وارد مدرسه علوم سیاسی به ریاست دهخدا شد و بعد به مدرسه حقوق تهران رفت. در ۱۳۰۷ پس از موفقیت در کنکور اعزام به خارج به فرانسه عزیمت کرد و با درجه دکترا حقوق از فرانسه در اوائل ۱۳۱۴ به کشور بازگشت. با سمت دانشیاری در دانشکده حقوق به



تدریس پرداخت و علاوه بر آن در مناصبی همچون معاونت اداره کل اوقاف و رئیس اداره تعلیمات عالی و ریاست اداره کل آمار و بررسی‌های وزارت دارائی و اقتصاد ملی و ریاست دانشکده حقوق فعالیت کرد. پس از شهریور ۱۳۲۰ «جمعیت کرمانشاهیان مقیم تهران» را برای آبادی زادگاهش تشکیل داد و در جهت تشکیل گروه سیاسی تلاش کرد که با کمک هم‌راهانش منجر به تشکیل حزب میهن گردید. هدف این حزب تلاش برای وطن و مقابله با احزاب وابسته به خارج بود. بعد اینان به حزب ایران پیوستند و با شروع مبارزات نفتی دکتر مصدق به دکتر مصدق پیوسته و مبارزه برای استیفای حقوق ایران و مقابله با لایحه الحاقی گس-گلشائیان را آغاز کردند.

دکتر سنجابی یکی از ۲۰ نفری بود که به همراه دکتر مصدق در تحصن ۲۲ مهر ۱۳۲۸ دربار شرکت داشتند و بعد جبهه ملی را تشکیل دادند. وی در کابینه اول دکتر مصدق وزیر فرهنگ شد. از جمله اقدامات این دوران تکمیل آرامگاه ابن سینا و برگزاری جشن او بود. همچنین دکتر سنجابی جزو هیئتی بود که بابت پیشنهادهای نفتی به دکتر مصدق مشاوره می‌دادند. هنگام سفر دکتر مصدق به شورای امنیت هم دکتر سنجابی از همراهان او بود. بعد به عنوان نماینده مجلس هفدهم از کرمانشاه انتخاب شد و تا به آخر مدافع دولت ملی بود. هنگام شکایت انگلیس به دیوان لاهه قاضی اختصاصی ایران در لاهه بود. در دولت دوم مصدق هم در کسوت نمایندگی مدافع دکتر مصدق بود که سرانجام در حمایت دولت به همراه برخی ملیون استعفاء دادند. پس از کودتا مدتی مخفی شد که در اوائل سال ۱۳۳۴ با وساطت حشمت‌الدوله والاتبای عفو شد. بعد مدتی به تدریس در دانشکده حقوق پرداخت و در جبهه ملی دوم به عنوان هیئت مؤسس به همراه یارانش فعالیت را آغاز کرد. اینان قاطعانه بر انتخابات آزاد تأکید می‌کردند که نتیجه‌ای نداشت و وی مدتی بازداشت شد و سرانجام فعالیت جبهه ملی با سرکوب قاطع دستگاه شاه متوقف شد. بعد از آن هم تا نزدیک انقلاب حدود ۱۰ سال فضای اختناق و رکود فعالیت سیاسی در کشور حکمفرما بود.

خرداد ۱۳۵۶ دکتر سنجابی به همراه فروهر و بختیار طی نامه‌ای خطاب به شاه وضعیت بحرانی کشور و خطرات را به او یادآوری کردند که سودی نداشت. به مرور ملیون فعالیت را تقویت کردند و کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ابتدا در

منزل دکتر سنجابی و به ریاست اولیة او تشکیل و اولین مصاحبه آن توسط دکتر سنجابی انجام شد. جبهه ملی نیز تجدید سازماندهی و فعالیت کرد و دکتر سنجابی دبیر هیئت اجرائی جبهه شد و در عمل هم رهبری جبهه ملی را در دست داشت. با بالا گرفتن انقلاب تا اواسط سال ۱۳۵۷ مشخص شد که دیگر کار شاه تمام است و نه تنها حکومت نظامی و کشتار ۱۷ شهریور سودی نداشت که گسترش اعتصاب تا ۱۰ آبان به شرکت نفت رسید و عملاً نظام را فلج کرد. دکتر سنجابی هم در ۱۴ آبان در سفری به فرانسه با آیت‌الله خمینی دیدار و در جایگاه بالاترین مقام جبهه ملی عملاً با آیت‌الله بیعت کرد و با انتشار اعلامیه سه ماده‌ای مشهور خواهان برچیده شدن نظام سلطنتی و ایجاد نظامی منطبق بر خواست مردم شد که توسط اکثریت مطلق ملیون و مبارزان تأیید شد. گفتنی است بعدها در این باره انتقادات فراوانی مطرح شد حال آن‌که اولاً آن اقدام نه تنها منطبق بر خواست اکثریت مطلق جامعه بلکه کاملاً اجتناب‌ناپذیر بود. هر نوع مقابله با سیل انقلاب هم سرانجامی جز شکست نداشت و روحانیون آنقدر قدرت گرفته بودند که اکنون حدود ۴۰ سال بعد از انقلاب هم با وجود تمام دشمنان داخلی و خارجی در قدرت هستند. علاوه بر این هدف و شعار انقلاب استقلال و آزادی اعلام می‌شد که تطبیق کاملی با خواست ملیون داشت. تجربیات تاریخی هم نشان می‌داد در گذشته در نهضت مشروطه و ملی شدن نفت هرگاه نیروهای آزادی خواه و روحانیون متحد شدند به پیروزی‌های بزرگی دست یافتند و نفاق بین اینان موجب شکست جبهه آزادی خواهی کشور بود. با مجموع این دلایل عمده ملیون بر این باور بودند که طبق وعده‌های آیت‌الله خمینی در آینده یک حکومت دموکراتیک ایجاد خواهد شد و



دکتر کریم سنجابی

در نتیجه به دفاع از انقلاب پرداختند گرچه انتخاب دیگری هم نداشتند مگر آنکه سکوت می‌کردند. دکتر سنجابی در آن هنگام به نزدیکانش گفته بود سیل انقلاب همه جا را فراگرفته و اکثریت مطلق مردم پشت سر آیت‌الله خمینی هستند. ما در این میان تلاش می‌کنیم شاید چیزی به نفع آزادی برای مملکت به دست آوریم. (گفتگوی نگارنده با برخی اعضای ایل سنجابی)

دکتر سنجابی بعد از بازگشت به کشور مدتی با احترام بازداشت شد و بعد دیداری هم با شاه داشت. اما شاه حاضر به تمکین به خواست اکثریت جامعه و اعطای آزادی واقعی و از جمله دادن اختیار نیروهای مسلح به دولت نبود و به تبع ملیون هم امکان توافق با شاه را نداشتند. با روی کار

آمدن دولت بختیار بدون هماهنگی یارانش و در حالی که ارتش بر خلاف قانون کماکان تحت فرماندهی افسران منصوب شاه و ژنرال‌های آمریکائی بود، جبهه ملی رأی به اخراج بختیار داد. دکتر سنجابی بعد در مذاکره با نمایندگان مجلس و نمایندگان آیت‌الله خمینی تلاش کرد توافقی ایجاد کند که مجلس دولت بختیار را کنار گذاشته و دولت بازرگان را روی کار آورد. در آن صورت به یقین خشونت بسیار کمتری رخ داده و شرایط دولت بازرگان از نظر قانونی بسیار بهتر و از نظر ایجاد آزادی در فردای انقلاب هم تأثیر بهتری در کشور داشت. به واقع اگر در آن مقطع آمریکا حاضر می‌شد از ملیون حمایت کند و از ارتش و مجلس بخواهد که کشور را جمهوری کنند، به یقین وضع ایران از جهت آزادی بهتر می‌شد. اما آمریکا کمترین همراهی با ملیون نکرده و طبق خاطرات دکتر سنجابی هیچ تماسی با آنان نداشت. حتی از آن بدتر ارتش که با هماهنگی آمریکا طرح کودتا آماده کرده

بود با ارباب نمایندگان مانع اجرای طرح دکتر سنجابی شد. در نتیجه سیل انقلاب ادامه پیدا کرده و با نبرد خیابانی به پیروزی رسید و دولت بختیار ساقط شد.



در دولت موقت دکتر سنجابی مدتی وزیر امور خارجه بود اما با مشاهده بی‌قانونی‌ها و مشکلات و از جمله اعدام‌های سریع به سرعت معترض شد. از اقدامات دیگر او مخالفت با تغییر نام کرمانشاه بود. (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، ص ۸) وی نزدیک عید ۱۳۵۸ تصمیم به استعفاء گرفت و در اواخر فروردین استعفاء داد که دوران وزارتش فقط حدود ۲ ماه بود. به این ترتیب وی از اولین نیروهای ملی بود که به سرعت راه خود را از آیت‌الله خمینی جدا کرد در حالی که برخی چون فروهر

خوش‌بینی بیشتری به مسائل داشته و مدت بیشتری در قدرت ماندند. بعد از آن جبهه ملی به فعالیت مستمر ادامه داد و موقعیت آن مرتب در حال بهبود بود. بزرگان جبهه به کرات هم بابت دیکتاتوری جدید هشدار داده و ابراز مخالفت می‌کردند و جبهه ملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی مثبت نداد. در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدای جبهه ملی در یادار مدنی بود که حدود ۱۶ درصد آراء را تصاحب کرد و بعد از بنی‌صدر نفر دوم شد. دکتر سنجابی کاندیدای مجلس اول از کرمانشاه هم شد که رأی اول را کسب کرد. اما با اعمال نفوذ و ایجاد تنش مانع راهیابی‌اش به مجلس شدند و برخی بستگانش را هم بازداشت کردند. با این وصف وی با شروع جنگ عشایر سنجابی را بسیج کرد و در دفاع از مملکت کوتاهی نکرد.



با نزدیک شدن به ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و بالا گرفتن درگیری بنی‌صدر با سایر ارکان حکومت، جبهه ملی به دلیل دفاع از رئیس‌جمهور و انتقاد به استبداد دینی به شدت زیر ضربه قرار گرفت و آیت‌الله خمینی حکم ارتداد جبهه ملی را صادر کرد و رئیس‌جمهور هم برکنار شد. دکتر سنجابی هم به ناچار به سان برخی رهبران ملیون مخفی شد و با سختی از ایران گریخت و به آمریکا رفت. سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۷۴ در آمریکا (گفتگوی نگارنده با بستگان ایشان) دیده از جهان فرو بست. جمهوری اسلامی هم اجازه نداد حتی پیکر او به کشور باز گردد.

به این ترتیب دکتر کریم سنجابی در دوران نهضت ملی از تشکیل جبهه ملی و بعد وزارت و نمایندگی مجلس همراه مصدق بود. بعد هم در راه مبارزه ملی ماند و دچار مشکلاتی شد. در انقلاب در فعال کردن جبهه ملی نقش مؤثری داشت. هنگام اوج گرفتن انقلاب و گسترش اعتصاب به صنایع نفت در اواسط آبان ۵۷، در سمت بالاترین مقام جبهه ملی در دیدار با آیت‌الله خمینی طی اعلامیه سه ماده‌ای تأکید کرد حکومت آینده باید با رأی مردم تعیین گردد که مورد تأیید اکثریت مطلق جبهه ملی قرار گرفت. در این راستا از انقلاب حمایت کرد تا شاید سیل انقلاب را به سمت آزادی هدایت کند و این نکته را به نزدیکانش هم می‌گفت. از آن سو شاه حاضر نشد به خواست ملیون تمکین و آزادی واقعی به مردم بدهد و بختیار را بدون هماهنگی با جبهه ملی به نخست‌وزیری منصوب کرد که مورد مخالفت جامعه قرار گرفت. دکتر سنجابی تلاش کرد دولت بازرگان به کمک مجلس روی کار آید که وضع آزادی کشور در آینده بهتر شود اما آن هم به دلیل دخالت آمریکا و تحریک

ارتش ناموفق ماند و با پیروزی انقلاب دولت بختیار ساقط شد. دکتر سنجابی بعد از انقلاب مدت کوتاهی وزیر امور خارجه بود که با تدریوی‌ها و خشونت‌ها و مثلاً تغییر نام کرمانشاه مخالفت می‌کرد. در نتیجه پس از فقط دو ماه وزارت را رها کرد و به تقویت جبهه ملی پرداخت که همین ثابت می‌کند وی کمترین سودای منافع شخصی نداشت و فقط دنبال خدمت و آزادی بود. جبهه ملی در انتخابات خبرگان قانون اساسی شکست خورد و بعد به قانون اساسی شامل ولایت فقیه هم رأی نداد اما آن قانون به تأیید بخش زیادی از مردم رسید. بعد جبهه ملی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری شکست خورد. البته خود دکتر سنجابی منتخب اول کرمانشاه در مجلس شد که انتخابات را باطل کردند و برخی بستگانش هم دستگیر شدند ولی او باز راه مبارزه ملی را ادامه داد. از جمله در جنگ بخشی از عشایر کرمانشاه را بسیج کرد. سرانجام مبارزات آنان با استبداد دینی منجر به سرکوب شدید و صدور حکم ارتداد جبهه ملی و اختفای دکتر سنجابی شد. در نهایت وی به ناچار از ایران به آمریکا گریخت و جمهوری اسلامی حتی اجازه نداد پیکرش به کشور بازگردد. با این تفاسیر گرچه دکتر سنجابی مقداری در برابر آیت‌الله خمینی ضعف نشان داد اما جا دارد منتقدان به این پرسش پاسخ دهند که وی با آن جو هیجانی انقلاب بیش از آن چه کاری قادر بود انجام دهد؟ آیا گناه جبهه ملی بود که مردم به ملیون رأی ندادند و به روحانیون رأی دادند؟ بدین سان مشخص است وی عمرش را در راه مبارزه برای استقلال و آزادی ایران و خدمت به وطن صرف کرده و بسیار نیک نام خواهد بود.

حمیدرضا مسیبیان ([Hamosaieb@yahoo.com](mailto:Hamosaieb@yahoo.com))

کرمانشاه - ۲۷ آذر ۱۳۹۵

منابع: همه مردان مصدق، منوچهر کدیور، انتشارات کویر، چاپ دوم ۱۳۹۴ + *خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی*، دکتر کریم سنجابی، انتشارات صدای معاصر، چاپ اول ۱۳۸۱ + و...